

# کلیسا (رازها ، آئینها و رسومات)

قسمت دوم:

رازهای کلیسا

چراغها و شمعها

محراب و مذبح

----

## ۷ راز کلیسا

عدد ۷ در کتاب مقدس عدد خاصی است و به کاملیت اشاره دارد. خدا جهان را در شش روز آفرید و روز هفتم را مبارک ساخته و آن را تقدیس نمود (پیدایش ۳ و ۲:۲) هم در کتاب مقدس و هم در کلیسا عدد ۷ مهم می باشد. مثلا ۷ روح و ۷ کلیسا در کتاب مکاشفه (در کتاب مقدس) و ۷ راز کلیسایی، ۷ گناه منتهی به موت و ۷ فضیلت مسیحی (در مراسم کلیسا).

حکمت، خانه خود را بنا کرده و هفت ستون خویش را تراشیده است. (امثال ۹:۱)  
مطابق تفسیر کلیساهای رسولی ، در این آیه حکمت مسیح می باشد و خانه کلیسا و هفت ستون رازهای ۷ گانه کلیسا.

به وسیله رازها ، کلیسا رسالت نجاتبخش خود را محقق می سازد ، شخص عضو کلیسا می شود (بوسیله راز تعمید و تدهین) و با مسیح در مشارکت قرار می گیرد. (به وسیله راز عشاء)  
رازها آن مراسمی هستند که بوسیله آنها ایماندار عطایا و برکات روح القدس را دریافت می کند (به وسیله راز تدهین) و بوسیله اشیایی قابل روئیت (آب ، روغن ، نان ، شراب) ، با ایمان امور غیر قابل روئیت را می پذیرد.

اولین بار آگوستین قدیس کلمه "راز یا سر" را در قرن ۴ و ۵ میلادی به مفهوم امروزی آن در کلیسا به عنوان "نشانه قابل روئیت از فیض غیر قابل روئیت" تعریف کرد.

در کتاب مقدس از راز انجیل ، راز صلیب مسیح ، راز مسیح ، راز تجسم و اینکه کلیسا راز است (کولسیان باب ۱ آیات ۲۶ و ۲۷ - افسسیان ۵:۳۲) صحبت شده است.

پدران کلیسا به راز معنای جدیدی بخشیدند . "باطن و روح اصلی موجود در مراسم " که بوسیله آن ایمانداران برکات خدا را دریافت می کنند.

کلیساهای رسولی شامل کاتولیک و ارتودکس (کالدستونی و غیر کالدستونی) معتقدند کلیسا ۷ راز دارد.  
۱- تعمید ۲- تدهین یا تثبیت (مسح-مهر شدن) ۳- توبه ۴- عشاء ۵- ازدواج ۶- دستگذاری ۷- تدهین مریضان (تدهین آخر)

اکثر کلیساهای پروتستان فقط ۲ آئین تعمید و عشاء را راز می پذیرند البته تعریف آنها هم از راز مطابق تعریف کلیساهای رسولی نمی باشد.

هر یک از این رازها معنای خاصی خود را دارند.

تعمید سمبل ایمان ، مهر شدن سمبل امید ، عشاء سمبل محبت و مشارکت ، توبه سمبل عدالت و پاکی ، دستگذاری سمبل خواندگی روحانی ، ازدواج سمبل زندگی خداپسندانه و تدهین آخر سمبل حیات جاودان و سلامت روح و جسم می باشد.

هر ۷ راز کلیسایی منشاء کتاب مقدسی دارند اگرچه فقط ۲ راز تعمید و عشاء را مستقیماً خود مسیح مقرر کرده و مابقی نتیجه توسعه کلیسا می باشد.

مطابق ایمان رسولی کلیسا در اوایل نهالی تازه بود ولی با گسترش آن امروز درخت تنومندی است که شاخ و برگهای زیادی دارد که در اوایل نداشت. (صدالبته این شاخ و برگ ها ریشه کتاب مقدسی دارند)  
رازها در قرن ۱۲ م صورت نهایی امروز خود را پذیرفته اند.

بوسیله تعمید ما از گناه اولیه (آدم) و تاثیرات آن آزاد می شویم و فرزند خدا می شویم.

کلیساهای رسولی معتقدند تعمید جایگزین ختنه شده است بنابراین معمولاً در نوزادی تعمید می دهند.

بوسیله تدهین و مهر شدن ما روح القدس را می یابیم و قوت برای مقابله با تجارب گوناگون.

کلیساهای رسولی معتقدند که یکبار تدهین و مهر می شویم (تعمید روح القدس) ولی بارها می توان پر از روح القدس شد.

بوسیله توبه ما از گناهان پاک و آزاد می شویم ، از گناهایی که بعد از تعمید انجام می شود.

کلیساهای رسولی به یک تعمید ولی به توبه های مکرر تا آخرین لحظه عمر معتقدند.

بوسیله عشاء ما مسیح را دریافت می کنیم ، عشاء ما را از گناهان پاک کرده و امید حیات جاودان می بخشد.

بوسیله ازدواج زندگی زوج متبارک می شود و بسترشان مقدس تا فرزندان داشته باشند.

بوسیله دستگذاری به کاهنان این اقتدار داده می شوند که آئینها را انجام دهند.

بوسیله تدهین بیماران ضعفهای جسمانی شفا می یابند و گناهی که مسبب بیماری می باشند ، بخشیده می شوند.

۴ راز تعمید ، تدهین ، توبه و عشاء را میبایست هر ایمانداری دریافت کند ولی ۳ راز دیگر اجباری نیستند. مطابق دیدگاه کلیسای ارمنه هر ایماندار میبایست حداقل هر ۴۰ روز یکبار بدن و خون مسیح را از طریق راز عشاء دریافت کند .

۳ راز تعمید ، تدهین (مهر شدن) و دستگذاری یکبار انجام می شوند و قابل تکرار نمی باشند ولی سایر رازها قابل تکرار هستند.

شرایط انجام رازها عبارتند از:

۱- انجام دهنده راز (اسقف یا کاهن)

۲- شی مورد استفاده (آب ، روغن ، نان ، شراب)

۳- دعا و مراسم خاص (قرائت ها ، دعاها و سرودهای خاص و تدوین شده)

۴- شخص دریافت کننده راز

اسقفان و کشیشان تنها اقتدار انجام رازها را دارند. کشیشان (کاهنان) همه رازها بجز دستگذاری را می توانند انجام دهند . دستگذاری فقط توسط اسقف انجام می شود. اسقف می تواند هر ۷ راز را انجام دهد.

رازها صرفنظر از آمادگی روحانی انجام دهنده و دریافت کننده راز ، تاثیر خود را دارند . وقتی از دعاهای خاصی استفاده می شود به این معنا است که تمام پدران تاریخ ۲ هزار ساله کلیسا این دعا را برای شخص دریافت کننده راز انجام می دهند.

فیض منتقل شده در رازها بوسیله خدای تثلیث می باشد و نه شخص انجام دهنده راز. بنابراین به صلاحیت او مرتبط نمی باشد.

قضاوت در خصوص صلاحیت کشیشان بر عهده اسقف است و ایمانداران نباید کشیشان را حکم کنند بلکه فقط برای آنها دعا کنند.

## چراغها و شمعها

استفاده از چراغها در کلیسای ارتدکس مرسوم است. ما از شمعها در دعاهايمان، هنگام قرائت کتاب مقدس، در پیشگاه شمایلهاي قدیسين، روی مذبح و بطور کل روی محراب به سمت شرق استفاده می کنیم و بدین گونه کلیسا پیوسته منور می شود. اما پروتستانها از هیچیک از این رسومات استفاده نمی کنند.

در این مبحث، در مورد علل استفاده از چراغها در کلیسا و مفاهیم روحانی آن صحبت می کنیم.

(۱) خود کلیسا در کتاب مقدس به عنوان «چراغدان طلا» معرفی شده است. در کتاب مکاشفه می خوانیم که یوحنا ی رسول، مسیح خداوند را می بیند که هفت چراغدان طلا در دست دارد و خداوند به او گفت: «هفت چراغدان، هفت کلیسا می باشند». (مکاشفه ۱:۲۰)

(۲) کلیسا به آسمان تشبیه شده، زیرا خانه خدا یا محل سکونت خداست، چنانکه آسمان است. اصطلاح مشابهی برای اولین خانه خدا بکار برده شد. یعقوب پاتریارک گفت: «این چه مکان ترسناکی است! این نیست جز خانه خدا و این است دروازه آسمان» (پیدایش ۱۷:۲۸). از آنجا که کلیسا به آسمان تشبیه شده است، باید همچون ستارگان آسمان، چراغهایی برای روشن کردن آن داشته باشد.

(۳) چراغهای کلیسا نمایانگر فرشتگان آسمان یا فرشتگانی است که یعقوب در رویای خود دید، که از نردبانی در بیت اییل (خانه خدا) صعود و نزول می کنند (پیدایش ۱۲:۲۸)؛ زیرا فرشتگان همچنین «فرشتگان نور» (دوم قرنتیان ۱۱:۱۴) نامیده می شوند.

(۴) چراغهای کلیسا نمایانگر قدیسين نیز هستند، همانها که خداوند بدیشان گفت: «بگذارید نور شما بر مردم بتابد» (متی ۵:۱۶). در آیه قبل آن نیز خداوند قدیسين را به چراغهای افروخته روی چراغدان تشبیه می کند.

همچنین کتاب مقدس می گوید: «عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب، درخشان خواهند شد» (متی ۱۳:۴۳). و مسیح خداوند در مورد یوحنا ی تعمیددهنده به عنوان یک مرد عادل به یهودیان گفت: «او چراغ افروخته و درخشنده ای بود و شما خواستید که ساعتی به نور او شادی کنید» (یوحنا ۵:۳۵). و چون کلیسا مملو از فرشتگان و قدیسين است، باید منور باشد.

(۵) در درجه اول کلیسا باید منور باشد زیرا خدا در آن حضور دارد و «خدا نور است» (اول یوحنا ۱:۵)، همانطور که یسوع خداوند درباره خود می گوید: «من نور عالم هستم». (یوحنا ۱:۹)

(۶) کلیسا با الگوپذیری از تابوت عهد و معبد اورشلیم، بوسیله چراغها منور می شود. آنها نیز مملو از چراغهای همیشه روشن بودند. خداوند حکم کرده بود که چراغهایشان با روغن زیتون ناب همیشه روشن بمانند و هارون و فرزندانش این خدمت را بر عهده داشتند. خداوند می گوید: «و تو بنی اسرائیل را امر فرما که روغن زیتون مصفی و کوبیده شده برای روشنایی نزد تو بیاورند تا چراغها دائماً روشن شود. در خیمه اجتماع، بیرون پرده ای که در برابر شهادت است، هارون و پسرانش از شام تا صبح، به حضور خداوند آن را درست کنند. و این برای بنی اسرائیل نسل بعد نسل فریضه ابدی باشد». (خروج ۲۱، ۲۰:۲۷)

این یک حکم الهی است، و خدا در همان روز نخست آفرینش گفت: «روشنایی بشود؛ و روشنایی شد. و خدا روشنایی را دید که

نیکوست». (پیدایش ۳،۴:۱)

(۷) چراغهایی که با روغن روشن می‌شدند، معنای روحانی دارند. روغن نماد روح‌القدس است، و برای تدهین استفاده، و پس از تدهین، روح خداوند بر مسح‌شده نازل می‌شد، همانطور که سموئیل نبی، داود پادشاه را مسح کرد و روح خداوند بر او نازل شد (اول سموئیل ۱۳:۱۶). و کتاب مقدس نیز در مورد مسح شهادت می‌دهد. (اول یوحنا ۲۰:۲۷)

حتی شمعهایی که ما در کلیسا روشن می‌کنیم از روغن درست شده‌اند و چراغهای کلیسا نیز با روغن روشن می‌شوند.

(۸) یادآور می‌شویم خداوند حکم کرد که در خانه‌اش (چه در تابوت عهد و چه در مکان مقدس) چراغدانها مستقر شوند.

چراغها و چراغدانها از طلای ناب درست شده بودند (خروج ۲۵:۳۱؛ ۳۷:۱۷؛ دوم تواریخ ۴:۲۰). همه اینها نشان می‌دهند که خدا به وجود روشنایی اهمیت می‌دهد.

(۹) بنا به حکم خدا، چراغها دائماً روشن بودند. خاموش شدن چراغها یا کم شدن نورشان به منزله گناه نسبت به خدا بود و مجازات سختی داشت، چنانکه کتاب مقدس می‌گوید: «زیرا که پدران ما خیانت ورزیده، آنچه در نظر یهوه خدای ما ناپسند بود به عمل آوردند و او را ترک کرده، روی خود را از مسکن خداوند تافتند و پشت به آن دادند. و درهای رواق را بسته، چراغها را خاموش کردند و بخور نسوزانیدند و قربانی‌های سوختنی در قدس خدای اسرائیل نگذرانیدند. پس خشم خداوند بر یهودا و اورشلیم افروخته شد و ایشان را محل تشویش و دهشت و سخریه ساخت، چنانکه شما به چشمان خود می‌بینید». (دوم تواریخ ۲۹:۶-۸)

(۱۰) روشنایی چراغها مفهوم معنوی خاصی دارد. این روشنایی نشان‌دهنده آمادگی دائمی قلبی و هوشیاری همیشگی و حفظ عمل روح‌القدس در قلب است.

در مورد این بیداری، خداوند می‌گوید: «کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای او بازکنند. خوشبحال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. هر آینه به شما می‌گویم که کمر خود را بسته، ایشان را خواهد نشانید و پیش آمده، ایشان را خدمت خواهد کرد». (لوقا ۱۲:۳۵)

همچنین خداوند از چراغهای باکره‌ها به ما نمونه‌ای داده، و ذکر می‌کند که چراغهای باکره‌های دانا روشن بود اما چراغهای باکره‌های نادان خاموش شد. (متی ۱۲:۲۵-۱۲)

روغن چراغ، عمل روح‌القدس در قلب ماست. روشنایی همیشگی آنها نشان هوشیاری ما برای حفظ مشارکت قلب با روح‌القدس است.

(۱۱) آنچه که در مورد اشخاص گفته می‌شود را می‌توان به مجموع کلیسا نیز نسبت داد. وقتی مردم روشناییهای کلیسا را می‌بینند به یاد وظیفه خود در حفظ روشنایی همیشگی درونشان می‌افتند.

(۱۲) مطمئناً قرائت اناجیل با روشنایی شمع بهتر از نبود روشنایی است. بدین شکل، این آیات را به یاد می‌آوریم: «کلام تو برای پایه‌های من چراغ، و برای راه‌های من نور است» (مزامیر ۱۱۹) و نیز: «مر خداوند پاک است و چشم را روشن می‌کند». (مزامیر ۱۹)

(۱۳) کلیسای نخستین حتی از زمان رسولان، به چراغها و نمادهای آن اهمیت ویژه‌ای می‌داد. نویسنده کتاب اعمال رسولان در توصیف بالاخانه‌ای که حضرت پطرس در آنجا پس از پاره کردن نان موعظه کرد، می‌نویسد: «در بالاخانه‌ای که جمع بودیم، چراغ بسیار بود». (اعمال ۸: ۲۰)

(۱۴) شمع‌هایی که ما نزد تصاویر قدیسین روشن می‌کنیم به ما یادآوری می‌کنند که قدیسین روشنایی نسلهای پس از خود هستند؛ ایشان همچون شمع ذوب می‌شوند تا نورشان بر مردم بتابد.

### معبد و مذبح

در کلیساهای پروتستان نه معبد یافت می‌شود و نه مذبح، چراکه اصلاً قربانی مقدس را نمی‌پذیرند.

(۱) در عهد عتیق اشارات متعددی به مذبح مقدس شده است. اما پروتستانها گمان می‌کنند که آن نماد قربانی مسیح روی صلیب بود و اکنون دیگر ارزشی ندارد. بنابراین ما برای اثبات ادعای خود مبنی بر لزوم استفاده از مذبح مقدس، مجبور به استفاده از عهد جدید می‌شویم.

(۲) پولس رسول می‌گوید: «مذبحی داریم که خدمت‌گذاران آن خیمه، اجازت ندارند که از آن بخورند» (عبرانیان ۱۰: ۱۳). حضرت یوحنا زین دهان در تفسیر این آیه می‌گوید: «حضرت پولس با این سخنان، از طریق نماد به اصل آن اشاره می‌کند ... اکنون ما اجازه داریم در خون مقدس شریک شویم، که در گذشته فقط کاهن چنین اجازه‌ای داشت».

(۳) در کتاب اشعیا نبی نبوتی در مورد مذبحی در سرزمین مصر وجود دارد. نبی می‌گوید: «در آن روز مذبحی برای خداوند در میان زمین مصر و ستونی نزد حدودش برای خداوند خواهد بود... و خداوند بر مصریان معروف خواهد شد و در آن روز مصریان خداوند را خواهند شناخت و با ذبایح و هدایا او را عبادت خواهند کرد و برای خداوند نذر کرده، آن را وفا خواهند نمود». (اشعیا ۱۹: ۱۹ و ۲۱)

مطمئناً مذبحی که در اینجا از آن صحبت می‌شود مربوط به عهد جدید، یعنی عصر مسیحیت است، زیرا یهودیان نمی‌توانستند در بلاد غیر یهود قربانی کنند، و مصریان نیز اجازه چنین کاری را به ایشان ندادند. به همین علت بود که در عصر موسی و هارون، به فرعون گفته شد: «قوم مرا رها کن تا مرا عبادت نمایند» (خروج ۸: ۲۰). با اینحال فرعون قوم را رهایی نداد تا برای خداوند قربانی گذرانند (آیه ۲۹)، با اینکه پس از حمله مگسها، فرعون وعده داده، گفته بود: «من شما را رهایی خواهم داد تا برای بیهوه، خدای خود، در صحرا قربانی گذرانید لیکن بسیار دور مروید و برای من دعا کنید» (آیه ۲۸). از این آیات مشخص است که یهودیان در مصر قربانی نگذرانند.

پس مصریان چه موقع خداوند را شناختند؟ چه زمانی مذبح درست کرده و قربانی برای خداوند گذراندند؟ بی‌شک، بعد از عصر

مسیحیت. این یک اثبات صریح برای وجود مذبح در مسیحیت برای قربانی مقدس است.

(۴) خدا خواست که اسم «مذبح» را در فکر و دل مردم زنده نگاه دارد، و به همین منظور، حضرت یوحنا چندین بار در کتاب مکاشفه که در اواخر قرن اول نوشته شد، می‌نویسد: «و فرشته‌ای دیگر آمده، نزد مذبح بایستاد با مَجْمَرِ طلا و بخور بسیار بدو داده شد تا آن را به دعاهای جمیع مقدسین، بر مذبح طلا که پیش تخت است بدهد» (مکاشفه ۸:۳). همچنین می‌گوید: «در زیر مذبح دیدم نفوس آنانی را که برای کلام خدا و شهادتی که داشتند کشته شده بودند». (کاشفه ۶:۹)

(۵) تا زمانی که «بدن و خون خداوند» (اول قرن‌تین ۱۱:۲۷) هست، مذبح نیز باید باشد. تا آنگاه که خون هست، الزاماً مذبح و البته معبد نیز باید باشد.